

از وعده‌های زیست‌محیطی تا آزمون عمل استاندار یزد

استاندار با ترک فعل‌ها برخورد می‌کند؟

سؤال «آفتاب حقوقی» از استاندار یزد:

آیا مدیریت استان در برابر برداشت آب، آلودگی و تخریب منابع طبیعی توسط صنایع بزرگ، از جمله چادرملو، خواهد ایستاد یا هنوز خودشان را عضو هیأت مدیره چادرملو می‌دانند؟

آفتاب حقوقی: استان یزد سال‌هاست با دو چالش اساسی یعنی بحران آب و پیامدهای زیست‌محیطی فعالیت‌های صنعتی و معدنی دست‌وپنجه نرم می‌کند. در چنین شرایطی، اظهارات اخیر استاندار یزد درباره ضرورت جلوگیری از کمبود آب، مقابله با آلودگی و توجه همزمان به ابعاد مختلف توسعه پایدار، اگر به اقدام عملی منجر شود، می‌تواند نقطه شروعی برای بازنگری جدی در نحوه مواجهه دستگاه‌های مسئول با مسائل زیست‌محیطی استان باشد.

استاندار یزد در سخنانی به مناسبت روز خبرنگار تأکید کرده است که «استان یزد نباید دچار کمبود آب شود، نباید آلودگی داشته باشیم و در توسعه پایدار نیز همه جنبه‌ها باید دیده شود.» سخنانی که از منظر سیاست‌گذاری، قابل توجه و امیدوارکننده است؛ اما پرسش مهم اینجاست که این رویکرد در میدان عمل چگونه قرار است اجرایی شود؟

آفتاب حقوقی بر همین اساس این پرسش را مطرح می‌کند که آیا استاندار یزد آمادگی دارد در برابر ترک فعل احتمالی دستگاه‌های اجرایی و نظارتی استان در حوزه آب، محیط زیست و منابع طبیعی نیز ورود کند؟

تاجر آگاه، سرمایه‌گذار ایمن تجارت بدون مشاور حقوقی؛ حرکت در جاده‌ای پرریسک



دکتر مصطفی عباسی
وکیل پایه یک دادگستری - استاد دانشگاه

در اقتصاد امروز، سرمایه تنها با تورم، رکود و نوسان بازار تهدید نمی‌شود؛ گاهی بزرگ‌ترین خطر برای یک سرمایه، یک تصمیم حقوقی نادرست است. قراردادی که بدون بررسی امضا می‌شود، چکی که بدون شناخت آثار حقوقی آن صادر می‌شود، شراکتی که حدود مسئولیت طرفین در آن روشن نیست یا معامله‌ای که ضمانت اجرای تعهداتش پیش‌بینی نشده، می‌تواند در مدت کوتاهی سرمایه یک فعال اقتصادی را با بحران مواجه کند.

با این حال، هنوز در بخشی از فضای کسب‌وکار، مراجعه به وکیل و مشاور حقوقی به زمانی موقوف می‌شود که اختلاف شکل گرفته، قرارداد نقض شده و کار به دادگاه رسیده است. این نگاه باید تغییر کند. وکیل تجاری نباید پزشک پرونده‌ای باشد که بیمار آن به مرحله بحران رسیده است؛ بلکه باید مانند یک پزشک پیشگیرانه، پیش از وقوع آسیب وارد فرایند تصمیم‌گیری شود. فعال اقتصادی حرفه‌ای همان‌گونه که پیش از سرمایه‌گذاری، وضعیت مالی و اقتصادی یک پروژه را بررسی می‌کند، باید ریسک‌های حقوقی آن را نیز بشناسد.

در تجارت، سود یک معامله فقط به میزان در آمد آن وابسته نیست؛ بلکه به میزان ریسکی که برای سرمایه‌ایجاد می‌کند نیز بستگی دارد. گاهی یک قرارداد ظاهراً سودآور، به دلیل یک شرط نادرست یا تعهد مبهم، می‌تواند پرهزینه‌ترین تصمیم اقتصادی یک فرد باشد. در این میان، اتاق بازرگانی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای امنیت حقوقی بخش خصوصی داشته باشد.

آموزش حقوق تجارت به تاجر و مدیران بنگاه‌ها، ایجاد دوره‌های تخصصی درباره قراردادهای تجاری، اسناد و چک، شرکت‌ها، مسئولیت مدیران، مالیات، ورشکستگی، تجارت بین‌الملل و شیوه‌های حل اختلاف، می‌تواند از حجم قابل توجهی از اختلافات جلوگیری کند.

حتی می‌توان فراتر رفت و در کنار خدمات اقتصادی و مشاوره‌ای موجود، سازوکارهایی برای مشاوره و ارزیابی حقوقی پیش از معاملات مهم ایجاد کرد. بسیاری از اختلافات تجاری، پیش از آنکه اختلاف باشند، «ریسک» هستند؛ و هنر حقوق در اقتصاد این است که این ریسک را پیش از تبدیل شدن به دعوا شناسایی و مدیریت کند. از سوی دیگر، آگاهی حقوقی تاجر فقط به نفع خود آنان نیست. وقتی قراردادهای دقیق‌تر تنظیم شوند، تعهدات روشن‌تر باشند و طرفین معامله از حقوق و مسئولیت‌های خود اطلاع داشته باشند، اعتماد در بازار افزایش پیدا می‌کند.

اعتماد، یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های اقتصاد است و امنیت حقوقی یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد اعتماد. بنابراین، اگر از رونق تولید، جذب سرمایه، توسعه تجارت و حمایت از بخش خصوصی سخن می‌گوییم، باید در کنار سیاست‌های اقتصادی، به «امنیت حقوقی» نیز توجه کنیم.

سرمایه‌گذار زمانی با آرامش سرمایه خود را وارد یک فعالیت اقتصادی می‌کند که بداند حقوق او در قرارداد، قانون و نظام قضایی قابل شناسایی و حمایت است. امروز لازم است نگاه جامعه اقتصادی به حقوق تغییر کند.

حقوق نباید صرفاً ابزار حل اختلاف باشد؛ حقوق باید ابزار پیشگیری از اختلاف و مدیریت ریسک اقتصادی باشد. اتاق‌های بازرگانی، دانشگاه‌ها، جامعه و کالت و دستگاه‌های مرتبط می‌توانند در این مسیر نقش مهمی ایفا کنند.

هرچه دانش حقوقی فعالان اقتصادی افزایش یابد، هزینه اختلافات کاهش پیدا می‌کند و فضای کسب‌وکار قابل پیش‌بینی‌تری می‌شود. در نهایت باید این واقعیت را پذیرفت: در تجارت مدرن، ناآگاهی حقوقی یک ضعف مدیریتی است؛ و پیشگیری حقوقی، نه هزینه، بلکه سرمایه‌گذاری برای حفظ سرمایه است.



دکتر محمد میثم منصوری
حقوقدان
پژوهشگر، مدرس دانشگاه

اسکرین‌شات

از دلیل الکترونیکی تا سلاح علیه حریم خصوصی

تأملی بر ارزش اثباتی تصویر دیجیتال، اصالت داده و حدود انتشار مکاتبات

آیا هر اسکرین‌شاتی باید وارد پرونده شود؟ پاسخ را نمی‌توان به صورت مطلق مثبت یا منفی داد. در نظام ادله، ارزش یک مستند تابع اوضاع و احوال پرونده، نحوه تحصیل، امکان احراز اصالت و ارتباط آن با موضوع دعواست. قانون تجارت الکترونیکی نیز همین رویکرد را با تأکید بر «عوامل مطمئنه» در ماده ۱۳ پذیرفته است. بنابراین، اسکرین‌شات می‌تواند برای کشف حقیقت مفید باشد، اما نباید صرفاً به دلیل ظاهر تصویری خود، واجد قدرت اثباتی مطلق تلقی شود. در پرونده‌ای که اصالت پیام محل اختلاف است، ممکن است بررسی فنی دستگاه، حساب کاربری، داده‌های ذخیره‌شده، سوابق سامانه یا سایر قرائن برای رسیدن به نتیجه ضروری باشد. به همین دلیل، اسکرین‌شات را بهتر است نقطه آغاز بررسی دانست، نه لزوماً نقطه پایان آن. حریم خصوصی در برابر حق دادخواهی یکی از دشوارترین تعارض‌ها در این حوزه، تقابل میان حق اشخاص برای ارائه دلیل و حق طرف مقابل برای حفظ حریم خصوصی است. از یک سو، نمی‌توان از شخصی که قربانی تهدید، توهین، اخاذی یا تعرض به حقوق خود شده است انتظار داشت که از مستندات دیجیتال خود صرفاً به دلیل خصوصی بودن محتوا چشم‌پوشی کند. از سوی دیگر، ضرورت اثبات یک ادعا نیز نباید بهانه‌ای برای انتشار نامحدود تمام مکاتبات و اطلاعات خصوصی افراد باشد. راه‌حل را باید در تناسب و ضرورت جست‌وجو کرد: استفاده از داده تا آنجا که برای احقاق حق و اثبات ادعا ضروری است، در چارچوب قانونی قابل توجیه‌تر خواهد بود؛ اما تبدیل مستند قضایی به ابزار انتشار عمومی و تخریب حیثیت، موضوعی مستقل است که باید جداگانه ارزیابی شود. سخن پایانی؛ اسکرین‌شات را نباید به دادگاه تبدیل کرد.

یکی از نمادهای کوچک تحول بزرگ ادله در عصر دیجیتال است. این تصویر ساده می‌تواند در یک پرونده قضایی سرخ مهمی باشد، اما در همان حال می‌تواند ابزار نقض حریم خصوصی، تخریب حیثیت یا حتی انتشار محتوای تحریف‌شده نیز قرار گیرد. حقوق در برابر این پدیده با یک دوگانه دشوار مواجه است: از یک سو، نباید فناوری‌های نوین را از فرآیند اثبات حق کنار گذاشت و از سوی دیگر، نباید به صرف دیجیتال بودن یک تصویر، برای آن اعتبار مطلق قائل شد.

در این میان، سه اصل اهمیت اساسی پیدا می‌کند:

اصالت، تناسب و محرمانگی. اصالت، برای آنکه بدانیم داده واقعاً متعلق به چه کسی و مربوط به چه واقعه‌ای است؛ تناسب، برای آنکه استفاده از داده فراتر از ضرورت احقاق حق نرود؛ و محرمانگی، برای آنکه دلیل خصوصی به ابزار مجازات اجتماعی تبدیل نشود. شاید مسئله اصلی در آینده نه این باشد که «اسکرین‌شات مدرک هست یا نیست»، بلکه این باشد که در چه شرایطی، با چه میزان اطمینان و با چه حدودی می‌توان به آن استناد کرد. در نهایت، باید پذیرفت که در عصر دیجیتال؛ هر آنچه قابل ثبت است، لزوماً قابل انتشار نیست؛ و هر آنچه قابل انتشار است، لزوماً اثبات‌کننده تمام حقیقت نیست. مرز میان این دو، همان نقطه‌ای است که حقوق باید در آن میان حق دادخواهی، اعتبار ادله و حق بر حریم خصوصی تعادل برقرار کند. مستندات قانونی مورد استفاده ۱. قانون تجارت الکترونیکی، مواد ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۵. ۲. قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۶۵۵. ۳. قانون مجازات اسلامی – کتاب پنجم تعزیرات، مواد ۷۴۴ و ۷۴۵. ۴. قانون جرایم رایانه‌ای، مقررات مربوط به جعل و دستکاری داده‌های رایانه‌ای.

بنابراین آینده ادله دیجیتال بیش از گذشته با یک پرسش بنیادین مواجه خواهد بود: «آیا آنچه می‌بینیم، واقعاً همان چیزی است که اتفاق افتاده است؟»

اسکرین‌شات و قضاوت افکار عمومی خطر اصلی اما شاید در جایی خارج از دادگاه شکل بگیرد. در شبکه‌های اجتماعی، یک

توهین قرار گرفته و برای اثبات ادعای خود، تصویر مکالمه را به مرجع قضایی ارائه می‌کند. این اقدام با انتشار همان مکالمه در شبکه‌های اجتماعی تفاوت ماهوی دارد. در حالت نخست، داده در چارچوب یک فرایند رسمی و برای احقاق حق ارائه می‌شود؛ در حالت دوم، همان داده ممکن است در معرض دید تعداد نامحدودی از اشخاص قرار گیرد و پیامدهایی مستقل از فرایند دادرسی ایجاد کند. بنابراین باید میان حق استفاده از دلیل و حق انتشار دلیل تفکیک کرد. حق دادخواهی، ضرورتاً مجوز افشای نامحدود اطلاعات خصوصی دیگری نیست. حریم خصوصی و ماده ۷۴۵ قانونگذار برای حمایت کیفری از حریم خصوصی در فضای رایانه‌ای، حکم صریحی وضع کرده است.

ماده ۷۴۵ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی – که همان ماده ۱۷ قانون جرایم رایانه‌ای است – انتشار یا در دسترس قرار دادن صوت، تصویر، فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او، جز در موارد قانونی، در صورتی که موجب ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت شود، جرم‌انگاری کرده است. اهمیت این حکم برای موضوع اسکرین‌شات در آن است که قانون، حمایت خود را صرفاً به «عکس» محدود نکرده و از اسرار دیگری نیز سخن گفته است. در نتیجه، این تصور که چون یک محتوای خصوصی در بستر یک پیام‌رسان قرار گرفته، دیگر حریم خصوصی نسبت به آن وجود ندارد، قابل دفاع نیست. حتی قرار گرفتن یک تصویر یا محتوا در فضای مجازی نیز لزوماً به معنای اعطای مجوز برای نشر مجدد آن نیست. میان در دسترس قرار دادن محتوا برای یک مخاطب مشخص و انتشار آن برای عموم، تفاوت حقوقی قابل توجهی وجود دارد.

این تمایز در مورد مکاتبات خصوصی نیز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند: رضایت به دریافت یا مشاهده یک پیام، با رضایت به انتشار عمومی آن ملازمه ندارد. وقتی اسکرین‌شات دستکاری می‌شود موضوع زمانی حساس‌تر می‌شود که اسکرین‌شات نه یک بازنمایی اصیل، بلکه محصول تغییر و تحریف باشد. ماده ۷۴۴ قانون مجازات اسلامی، تغییر یا تحریف فیلم، صوت یا تصویر دیگری و انتشار آن، در صورتی که عرفاً موجب هتک حیثیت شود، را جرم‌انگاری کرده است. از سوی دیگر، قانون جرایم رایانه‌ای در حوزه جعل رایانه‌ای نیز رفتارهایی مانند ایجاد یا تغییر متقلبانه داده‌های قابل استناد را مورد توجه قرار داده است. این مقررات در عصر هوش مصنوعی اهمیت مضاعف پیدا می‌کنند؛ عصری که در آن تولید تصویری که ظاهراً کاملاً واقعی به نظر می‌رسد، دیگر امر دشواری نیست.

بنابراین آینده ادله دیجیتال بیش از گذشته با یک پرسش بنیادین مواجه خواهد بود: «آیا آنچه می‌بینیم، واقعاً همان چیزی است که اتفاق افتاده است؟» اسکرین‌شات و قضاوت افکار عمومی خطر اصلی اما شاید در جایی خارج از دادگاه شکل بگیرد. در شبکه‌های اجتماعی، یک اسکرین‌شات می‌تواند در چند ساعت هزاران بار بازنشر شود و روایتی قطعی درباره یک اختلاف ایجاد کند؛ در حالی که ممکن است پرونده هنوز در مرحله تحقیقات مقدماتی باشد و اصالت یا تمامیت مستندات نیز احراز نشده باشد. اینجاست که «دلیل احتمالی» به «حکم اجتماعی» تبدیل می‌شود. دادگاه برای ارزیابی ادعا، با مجموعه‌ای از ادله، امکان دفاع طرفین، بررسی اصالت مستندات و تشریفات دادرسی مواجه است؛ اما فضای مجازی غالباً با یک تصویر بریده، یک روایت یک‌طرفه و سرعت بالای انتشار عمل می‌کند.

از این منظر، باید میان حقیقت قضایی و برداشت افکار عمومی از یک تصویر تمایز گذاشت. ممکن است یک اسکرین‌شات واقعی باشد، اما تنها بخشی از یک مکالمه را نشان دهد. ممکن است پیام واقعاً ارسال شده باشد، اما زمینه پیش و پس از آن، معنای متفاوتی ایجاد کند. به تعبیر دیگر: واقعی بودن یک تصویر، الزاماً به معنای کامل بودن حقیقتی نیست که از آن استنباط می‌شود.

در روزگاری که بخش مهمی از روابط اجتماعی، خانوادگی و حتی حرفه‌ای انسان‌ها در بستر پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد، «اسکرین‌شات» دیگر صرفاً تصویری برای ثبت یک لحظه یا نگهداری یک مکالمه نیست. گاهی همین تصویر کوچک، مبنای یک شکایت کیفری، مستند یک دعوای حقوقی، وسیله‌ای برای دفاع از حق و در مواردی، ابزاری برای اعمال فشار بر دیگری قرار می‌گیرد. اما مسئله از جایی پیچیده می‌شود که بخواهیم برای این تصویر، جایگاه حقوقی تعیین کنیم. آیا اسکرین‌شات به خودی خود «دلیل» است؟

آیا تصویر یک مکالمه می‌تواند انتساب آن را به شخص معین ثابت کند؟

آیا ارائه یک پیام خصوصی به مقام قضایی با انتشار همان پیام در شبکه‌های اجتماعی یکسان است؟ و مهم‌تر از همه، آیا دسترسی مشروع به یک مکالمه، مجوز انتشار آن را نیز به همراه دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم فاصله گرفتن از نگاه ساده‌انگارانه به ادله دیجیتال و توجه به تمایز میان داده، تصویر داده، اصالت، انتساب و نحوه تحصیل و ارائه دلیل است. داده الکترونیکی در نظام ادله قانون تجارت الکترونیکی از نخستین مقرراتی است که به صورت صریح، «داده‌پیام» را در قلمرو ادله اثبات به رسمیت شناخته است. مطابق ماده ۱۲ این قانون، اسناد و ادله اثبات دعوا می‌توانند در قالب داده‌پیام باشند و نمی‌توان صرفاً به دلیل شکل و قالب الکترونیکی، ارزش اثباتی آنها را نادیده گرفت. ماده ۱۳ نیز ارزش اثباتی داده‌پیام را تابع عوامل اطمینان‌بخش، از جمله تناسب روش‌های اِمنی با موضوع و هدف مبادله داده می‌داند. این دو حکم، نکته‌ای اساسی را روشن می‌کنند: الکترونیکی بودن یک دلیل، فی‌نفسه موجب بی‌اعتباری آن نیست؛ اما ارزش اثباتی آن نیز صرفاً از وجود یک تصویر یا فایل حاصل نمی‌شود.

در همین راستا، ماده ۱۴ قانون تجارت الکترونیکی برای داده‌پیام‌هایی که به طریق مطمئن ایجاد و نگهداری شده‌اند، آثار حقوقی ویژه‌ای در نظر گرفته است و ماده ۱۵ نیز در خصوص داده‌پیام مطمئن، قواعد خاصی درباره انکار، تردید و ادعای جعل مقرر کرده است.

بنابراین، در مواجهه با یک اسکرین‌شات، پرسش حقوقی دقیق‌تر این نیست که «آیا اسکرین‌شات معتبر است یا خیر؟» بلکه باید پرسید: این تصویر تا چه اندازه می‌تواند وجود، اصالت، تمامیت و انتساب داده مورد ادعا را اثبات کند؟ اسکرین‌شات، خود داده نیست اسکرین‌شات در واقع تصویری از وضعیت یک صفحه در زمان معین است.

این تصویر ممکن است محتوای یک پیام، نام کاربری، تصویر پروفایل یا زمان ارسال را نشان دهد؛ اما لزوماً تمام اطلاعات فنی مربوط به آن داده را در اختیار ما قرار نمی‌دهد. ممکن است بخشی از مکالمه حذف شده باشد، تصویر برش خورده باشد، محتوای آن دستکاری شده باشد یا حتی حساب کاربری موردنظر متعلق به شخصی غیر از فردی باشد که تصویر به او منتسب شده است.

از این منظر، میان مشاهده یک محتوا و اثبات انتساب آن محتوا تفاوتی بنیادین وجود دارد. به همین دلیل است که در پرونده‌های محل اختلاف، صرف ارائه یک تصویر از صفحه نمایش نمی‌تواند در همه موارد پایان بحث باشد. هرچه اصالت و انتساب داده بیشتر مورد مناقشه باشد، ضرورت بررسی فنی و کارشناسی نیز بیشتر می‌شود. قانون آیین دادرسی کیفری نیز در ماده ۶۵۵ اصل اعتبار صورت یا محتوای الکترونیکی اسناد و مدارک را، با رعایت سازوکارهای امنیتی مقرر، مورد شناسایی قرار داده است. در نتیجه، دلیل دیجیتال باید نه صرفاً از منظر شکل ظاهری، بلکه از منظر قابلیت اعتماد و امکان احراز اصالت ارزیابی شود. از دادگاه تا شبکه اجتماعی؛ دو کاربرد کاملاً متفاوت نکته مهم دیگر، تمایز میان «استناد قضایی» و «انتشار عمومی» است. فرض کنیم شخصی مدعی است که در یک پیام‌رسان مورد تهدید یا

از وعده‌های زیست‌محیطی تا آزمون عمل استاندار یزد

استاندار با ترک فعل‌ها برخورد می‌کند؟

پرسش مشخص «آفتاب حقوقی»: این است:

آیا استاندار یزد حاضر است پرونده برداشت‌های آبی، مدیریت پساب، آثار زیست‌محیطی فعالیت‌های معدنی و صنعتی و همچنین عملکرد دستگاه‌های مسئول در نظارت بر این موضوعات را به‌صورت شفاف بررسی کند و اگر ترک فعلی صورت گرفته است، با مدیر یا دستگاه متخلف برخورد قانونی کند؟

همچنین باید پرسید آیا توسعه صنایع بزرگ در استان یزد از این پس مشروط به رعایت دقیق ظرفیت‌های زیست‌محیطی و آبی منطقه خواهد بود؟ و آیا مردم استان می‌توانند گزارش شفاف‌تری از میزان برداشت آب، نحوه مصرف و مدیریت پساب واحدهای بزرگ صنعتی و معدنی دریافت کنند؟

این پرسش‌ها علیه یک شرکت یا مجموعه خاص مطرح نمی‌شود؛ بلکه مطالبه‌ای درباره شفافیت، اجرای قانون و حفظ منافع عمومی است. اگر چادرملو و سایر واحدهای بزرگ صنعتی و معدنی مطابق قانون و استانداردهای زیست‌محیطی عمل می‌کنند، انتشار داده‌های رسمی و گزارش‌های نظارتی می‌تواند بهترین دفاع از عملکرد آنها باشد؛ و اگر تخلف یا ترک فعلی وجود دارد، افکار عمومی انتظار دارد قانون بدون ملاحظه اجرا شود.

اکنون باید دید استاندار یزد که بر ضرورت جلوگیری از کمبود آب و آلودگی و حرکت به سمت توسعه پایدار تأکید کرده است، در مقام عمل تا چه اندازه حاضر است این شعارها را به مطالبه از دستگاه‌های اجرایی و برخورد با ترک‌فعل‌های احتمالی تبدیل کند.

نه صرفاً پس از بروز بحران، بلکه در تمام مراحل فعالیت واحدهای صنعتی و معدنی، وظایف نظارتی و قانونی خود را به‌صورت شفاف انجام دهند.

از سوی دیگر، یکی از پرسش‌های جدی این است که اگر دستگاهی در انجام وظایف قانونی خود کوتاهی کرده باشد، چه نهادی باید با این ترک فعل برخورد کند؟ آیا استانداری به‌عنوان عالی‌ترین نهاد اجرایی استان، صرفاً سیاست‌گذاری خواهد کرد یا در مواردی که عملکرد دستگاه‌های زیرمجموعه یا مرتبط با مدیریت استان محل سؤال است، مطالبه‌گری و نظارت جدی نیز خواهد داشت؟

موضوع به چادرملو نیز محدود نمی‌شود. مسئله اصلی، نسبت میان توسعه صنعتی و ظرفیت‌های زیست‌محیطی استان است. توسعه اقتصادی زمانی پایدار خواهد بود که همزمان با ایجاد اشتغال و تولید، منابع آب، خاک، هوا و منابع طبیعی نیز حفظ شوند. نمی‌توان از یک سو از توسعه پایدار سخن گفت و از سوی دیگر نسبت به پیامدهای احتمالی فعالیت‌های صنعتی بدون بررسی و نظارت کافی بی‌تفاوت بود.

از استاندار یزد که پیش از تصدی این مسئولیت، سابقه حضور در هیئت‌مدیره شرکت معدنی و صنعتی چادرملو را داشته است، انتظار می‌رود بیش از هر فرد دیگری نسبت به ساختار، ظرفیت‌ها و چالش‌های این مجموعه و همچنین مسائل منطقه اشراف داشته باشد. به همین دلیل، اکنون زمان آن است که اظهارات صریح درباره آب و محیط زیست به معیار عمل تبدیل شود.

سؤال «آفتاب حقوقی»: از استاندار یزد:

آیا مدیریت استان در برابر برداشت آب، آلودگی و تخریب منابع طبیعی توسط صنایع بزرگ، از جمله چادرملو، خواهد ایستاد یا هنوز خودشان را عضو هیأت مدیره چادرملو می‌دانند؟

آفتاب حقوقی: استان یزد سال‌هاست با دو چالش اساسی یعنی بحران آب و پیامدهای زیست‌محیطی فعالیت‌های صنعتی و معدنی دست‌وپنجه نرم می‌کند. در چنین شرایطی، اظهارات اخیر استاندار یزد درباره ضرورت جلوگیری از کمبود آب، مقابله با آلودگی و توجه همزمان به ابعاد مختلف توسعه پایدار، اگر به اقدام عملی منجر شود، می‌تواند نقطه شروعی برای بازنگری جدی در نحوه مواجهه دستگاه‌های مسئول با مسائل زیست‌محیطی استان باشد. استاندار یزد در سخنانی به مناسبت روز خبرنگار تأکید کرده است که «استان یزد نباید دچار کمبود آب شود، نباید آلودگی داشته باشیم و در توسعه پایدار نیز همه جنبه‌ها باید دیده شود.» سخنانی که از منظر سیاست‌گذاری، قابل توجه و امیدوارکننده است؛ اما پرسش مهم اینجاست که این رویکرد در میدان عمل چگونه قرار است اجرایی شود؟

آفتاب حقوقی بر همین اساس این پرسش را مطرح می‌کند که آیا استاندار یزد آمادگی دارد در برابر ترک‌فعل احتمالی دستگاه‌های اجرایی و نظارتی استان در حوزه آب، محیط زیست و منابع طبیعی نیز ورود کند؟

یکی از موضوعات مورد توجه در این زمینه، فعالیت‌های شرکت‌های بزرگ معدنی و صنعتی در استان است. درباره شرکت معدنی و صنعتی چادرملو نیز طی سال‌های گذشته مباحث و انتقاداتی درباره برداشت آب، نحوه مدیریت پساب، آثار زیست‌محیطی فعالیت‌های معدنی و صنعتی و وضعیت زیرساخت‌های منطقه مطرح شده است. این موارد البته نیازمند بررسی دقیق، مستند و کارشناسی از سوی دستگاه‌های مسئول و انتشار عمومی نتایج آن است.

اهمیت موضوع زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم بخش‌هایی از استان یزد در منطقه‌ای خشک و کم‌آب قرار دارند و هرگونه تصمیم درباره منابع آبی باید با حساسیت مضاعف و بر مبنای ظرفیت واقعی منابع آب اتخاذ شود. در چنین شرایطی، انتظار می‌رود دستگاه‌هایی مانند محیط زیست، منابع طبیعی و آب منطقه‌ای

ادامه از صفحه قبل

اسکرین‌شات می‌تواند در چند ساعت هزاران بار بازنشر شود و روایتی قطعی درباره یک اختلاف ایجاد کند؛ در حالی که ممکن است پرونده هنوز در مرحله تحقیقات مقدماتی باشد و اصالت یا تمامیت مستندات نیز احراز نشده باشد. اینجاست که «دلیل احتمالی» به «حکم اجتماعی» تبدیل می‌شود.

دادگاه برای ارزیابی ادعا، با مجموعه‌ای از ادله، امکان دفاع طرفین، بررسی اصالت مستندات و تشریفات دادرسی مواجه است؛ اما فضای مجازی غالباً با یک تصویر بریده، یک روایت یک‌طرفه و سرعت بالای انتشار عمل می‌کند. از این منظر، باید میان حقیقت قضایی و برداشت افکار عمومی از یک تصویر تمایز گذاشت.

ممکن است یک اسکرین‌شات واقعی باشد، اما تنها بخشی از یک مکالمه را نشان دهد. ممکن است پیام واقعاً ارسال شده باشد، اما زمینه پیش و پس از آن، معنای متفاوتی ایجاد کند.

به تعبیر دیگر:

واقعی بودن یک تصویر، الزاماً به معنای کامل بودن حقیقتی نیست که از آن استنباط می‌شود. آیا هر اسکرین‌شاتی باید وارد پرونده شود؟

پاسخ را نمی‌توان به صورت مطلق مثبت یا منفی داد. در نظام ادله، ارزش یک مستند تابع اوضاع و احوال پرونده، نحوه تحصیل، امکان احراز اصالت و ارتباط آن با موضوع دعواست. قانون تجارت الکترونیکی نیز همین رویکرد را با تأکید بر «عوامل مطمئنه» در ماده ۱۳ پذیرفته است. بنابراین، اسکرین‌شات می‌تواند برای کشف حقیقت مفید باشد، اما نباید صرفاً به دلیل ظاهر تصویری خود، واجد قدرت اثباتی مطلق تلقی شود.

در پرونده‌ای که اصالت پیام محل اختلاف است، ممکن است

بررسی فنی دستگاه، حساب کاربری، داده‌های ذخیره‌شده، سابق سامانه یا سایر قرائن برای رسیدن به نتیجه ضروری باشد. به همین دلیل، اسکرین‌شات را بهتر است نقطه آغاز بررسی دانست، نه لزوماً نقطه پایان آن. حریم خصوصی در برابر حق دادخواهی یکی از دشوارترین تعارض‌ها در این حوزه، تقابل میان حق اشخاص برای ارائه دلیل و حق طرف مقابل برای حفظ حریم خصوصی است.

از یک سو، نمی‌توان از شخصی که قربانی تهدید، توهین، اخاذی یا تعرض به حقوق خود شده است انتظار داشت که از مستندات دیجیتال خود صرفاً به دلیل خصوصی بودن محتوا چشم‌پوشی کند. از سوی دیگر، ضرورت اثبات یک ادعا نیز نباید بهانه‌ای برای انتشار نامحدود تمام مکاتبات و اطلاعات خصوصی افراد باشد. راه‌حل را باید در تناسب و ضرورت جست‌وجو کرد: استفاده از داده تا آنجا که برای احقاق حق و اثبات ادعا ضروری است، در چارچوب قانونی قابل توجیه‌تر خواهد بود؛ اما تبدیل مستند قضایی به ابزار انتشار عمومی و تخریب حیثیت، موضوعی مستقل است که باید جداگانه ارزیابی شود.

سخن پایانی:

اسکرین‌شات را نباید به دادگاه تبدیل کرد اسکرین‌شات یکی از نمادهای کوچک تحول بزرگ ادله در عصر دیجیتال است. این تصویر ساده می‌تواند در یک پرونده قضایی سرنخ مهمی باشد، اما در همان حال می‌تواند ابزار نقض حریم خصوصی، تخریب حیثیت یا حتی انتشار محتوای تحریف‌شده نیز قرار گیرد.

حقوق در برابر این پدیده با یک دوگانه دشوار مواجه است:

از یک سو، نباید فناوری‌های نوین را از فرآیند اثبات حق کنار گذاشت و از سوی دیگر، نباید به صرف دیجیتال بودن یک تصویر، برای آن اعتبار مطلق قائل شد. در این میان، سه اصل اهمیت اساسی پیدا می‌کند: اصالت، تناسب و محرمانگی. اصالت، برای آنکه بدانیم داده واقعاً متعلق به چه کسی و مربوط به چه واقعه‌ای است؛ تناسب، برای آنکه استفاده از داده فراتر از ضرورت احقاق حق نرود؛ و محرمانگی، برای آنکه دلیل خصوصی به ابزار مجازات اجتماعی تبدیل نشود.

شاید مسئله اصلی در آینده نه این باشد که «اسکرین‌شات مدرک هست یا نیست»، بلکه این باشد که در چه شرایطی، با چه میزان اطمینان و با چه حدودی می‌توان به آن استناد کرد.

در نهایت، باید پذیرفت که در عصر دیجیتال:

هر آنچه قابل ثبت است، لزوماً قابل انتشار نیست؛ و هر آنچه قابل انتشار است، لزوماً اثبات‌کننده تمام حقیقت نیست. مرز میان این دو، همان نقطه‌ای است که حقوق باید در آن میان حق دادخواهی، اعتبار ادله و حق بر حریم خصوصی تعادل برقرار کند.

مستندات قانونی مورد استفاده:

۱. قانون تجارت الکترونیکی، مواد ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۵
۲. قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۶۵۵.
۳. قانون مجازات اسلامی – کتاب پنجم تعزیرات، مواد ۷۴۴ و ۷۴۵.
۴. قانون جرایم رایانه‌ای، مقررات مربوط به جعل و دستکاری داده‌های رایانه‌ای

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: دکتر منصور مظفری / وکیل پایه یک دادگستری
- آدرس: تهران - خیابان شهید مطهری - ابتدای قائم مقام فراهانی، کوچه ۲۶، پلاک ۱۰ یزد - بلوار ۲۲ بهمن - ابتدای کوچه اعظم ۰۹۱۲۸۴۳۷۰۱۸
- تلفن: ۰۹۱۲۲۹۹۱۷۹۶ - ۰۹۱۳۱۵۱۵۲۱۰ - ۸۸۳۲۸۷۴۳ ایمیل: aftab.yz@gmail.com

تحلیل تطبیقی ماده ۲۵۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت و جرم خیانت در امانت؛

تفکیک کیفری سوء استفاده مدیران شرکت‌ها



بهیمان حاج محمود عطار
وکیل دادگستری



مجید یادگاری
قاضی سابق دادگاه تجدیدنظر
وکیل دادگستری

یکی از مسائل قابل بحث در حقوق کیفری اقتصادی، تعیین مرز میان جرایم عمومی علیه اموال و جرایم خاص ناشی از فعالیت‌های تجاری است. در حوزه شرکت‌های تجاری، مدیران به دلیل برخورداری از اختیار اداره اموال و منابع شرکت، همواره در معرض این پرسش قرار دارند که آیا سوء استفاده آنان از این اختیارات راباید تحت عناوین عمومی مانند خیانت در امانت، کلاهبرداری یا اختلاس تحلیل کرد یا این که قانونگذار برای این رفتارها عنوان کیفری مستقل ایجاد کرده است. ماده ۲۵۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ از مهم‌ترین مقررات کیفری مربوط به مسئولیت مدیران شرکت‌های سهامی است که پاسخ روشنی به این موضوع ارائه می‌کند: «ماده ۲۵۸ قانون تجارت (لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت) - اشخاص زیر به حبس تادیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد: رئیس و اعضاء هیات مدیره و مدیرعامل شرکت که بدون صورت دارایی و ترازنامه یا به استناد صورت دارایی و ترازنامه مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم کرده باشند. رئیس و اعضاء هیات مدیره و مدیر عامل شرکت که ترازنامه غیر واقع به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت به صاحبان سهام ارائه یا منتشر کرده باشند.

رئیس و اعضاء هیات مدیره و مدیر عامل شرکت که اموال یا اعتبارات شرکت را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا موسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذی‌نفع می‌باشند مورد استفاده قرار دهند. رئیس و اعضاء هیات مدیره و مدیر عامل شرکت که با سوء نیت از اختیارات خود برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا به خاطر شرکت یا موسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذی‌نفع می‌باشند استفاده کنند.»

دلایل تفکیک مسوولیت کیفری مدیران شرکت‌های سهامی از سایر جرایم مالی:

به‌طور کلی تکنیک قانونگذار کیفری در جرم‌انگاری رفتارهای اقتصادی برای تعیین ضمانت اجرای کیفری دو شیوه اصلی دارد: نخست، جرم‌انگاری مستقل؛ به این معنا که رفتار، عناصر تشکیل‌دهنده و مجازات آن در همان قانون تعیین می‌شود. به عنوان نمونه در ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) قانون گذار به همه این اوصاف در یک ماده تصریح کرده است. « ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) - هرگاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی‌اجرت به کسی داده شده و بنا بر این بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف

معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آن‌ها را به ضرر مالکین یا متصرفین آن‌ها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از سه ماه تا یک سال و شش ماه محکوم خواهد شد.» دوم، استفاده از عبارت‌هایی مانند «در حکم کلاهبرداری»، «در حکم خیانت در امانت» یا «در حکم اختلاس» که به معنای تسری آثار و مجازات جرم مورد اشاره به رفتار جدید است. در شیوه دوم، قانونگذار با ارجاع به جرم موجود، از تکرار مقررات مربوط به مجازات و آثار کیفری آن خودداری می‌کند. مانند ماده یک قانون انتقال مال غیر که عناصر تشکیل دهنده جرم را تشریح کرده ولی مجازات آن را در حکم کلاهبرداری دانسته و به ماده قانونی مربوط به کلاهبرداری تصریح نموده است: « ماده یک - کسی که مال غیر را با علم به اینکه مال غیر است به نحوی از انحاء عیناً یا منفعتاً بدون مجوز قانونی به دیگری منتقل کند کلاهبردار محسوب و مطابق ماده ۲۳۸ قانون عمومی محکوم می‌شود. وهم چنین است انتقال گیرنده که در حین معامله عالم به عدم مالکیت انتقال دهنده باشد.

اگر مالک از وقوع معامله مطلع شده و تا یک ماه پس از حصول اطلاع اظهاریه برای ابلاغ به انتقال گیرنده و مطلع کردن او از مالکیت خود به اداره ثبت اسناد یا دفتر بדיات یا صلحیه یا یکی از دوائر دیگر دولتی تسلیم ننماید معاون جرم محسوب خواهد شد. هر یک از دوائر و دفاتر فوق مکلفند در مقابل اظهاریه مالک رسید داده آن را بدون فوت وقت به طرف برسانند.» در ماده ۲۵۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت، قانونگذار روش نخست را منظور کرده و رفتارهای خاص مدیران را مستقلاً بیان و برای آن‌ها درصدماده مجازات مشخص تعیین کرده است.

جایگاه ماده ۲۵۸ در نظام جرایم اقتصادی: رفتارهای موضوع ماده ۲۵۸، ارتباط مستقیمی با اعتماد عمومی در فعالیت‌های اقتصادی و سلامت اداره شرکت‌ها دارد. مدیر شرکت اختیار اداره اموال، تصمیم‌گیری اقتصادی و تنظیم روابط مالی شرکت را بر عهده دارد. اما این اختیار، اختیار مالکانه نیست؛ بلکه اختیاری محدود، هدفمند و مقید به رعایت مصلحت شرکت است.

زمانی که مدیر از این اختیار برخلاف منافع شرکت استفاده می‌کند، رفتار وی پیش از آن که نقض یک رابطه امانی خصوصی باشد، نقض یک تکلیف قانونی ناشی از سمت مدیریتی است. تفاوت ارکان ماده ۲۵۸ با خیانت در امانت موضوع ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی جرم خیانت در امانت موضوع ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) دارای عناصر مشخصی است:

الف) وجود رابطه امانی در خیانت در امانت:

مال باید به موجب قرارداد، قانون یا رابطه‌ای مشابه به مرتکب سپرده شده باشد.

ب) وجود مال متعلق به دیگری موضوع جرم:

مالی است که مالکیت یا تصرف قانونی آن متعلق به دیگری است.

ج) رفتارهای چهارگانه مجرمانه مرتکب باید مال را استعمال،

تصاحب، تلف یا مفقود کند. اما در ماده ۲۵۸ رابطه حقوقی میان مدیر و شرکت، رابطه نمایندگی و مدیریت قانونی است. اختیار مدیر از سمت او ناشی می‌شود نه از سپردن مال به معنای ماده ۶۷۴. رفتار مجرمانه، نقض قواعد اداره شرکت و سوءاستفاده از اختیارات قانونی است. بنابراین هرچند مدیر از منظر حقوق شرکت‌ها دارای وظیفه امانت‌داری است، این مفهوم با عنصر «سپردن مال» در جرم خیانت در امانت تفاوت دارد. عدم امکان توسعه عنوان خیانت در امانت بر ماده ۲۵۸: اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها اقتضا دارد که نمی‌توان صرف شباهت رفتاری، عنوان مجرمانه‌ای را به رفتار دیگری تسری داد. اگر قانونگذار قصد داشت رفتارهای ماده ۲۵۸ را خیانت در امانت تلقی کند، می‌توانست همانند برخی قوانین دیگر، صراحتاً از عبارت «در حکم خیانت در امانت» استفاده کند. اما انتخاب عبارت مستقل و تعیین مجازات جداگانه نشان می‌دهد که اراده قانونگذار، ایجاد یک جرم خاص بوده است.

تفاوت با کلاهبرداری و اختلاس:

جرم کلاهبرداری مبتنی بر فریب و بردن مال دیگری از طریق وسایل متقلبانه است. در حالی که ماده ۲۵۸ الزاماً متضمن عملیات متقلبانه به مفهوم کلاهبرداری نیست. هم چنین اختلاس مربوط به تصاحب یا برداشت غیرقانونی اموال دولتی یا عمومی توسط مستخدمان و مأموران مقرر در قانون است، در حالی که مدیر شرکت خصوصی مشمول عنوان اختلاس نیست مگر در شرایط خاص قانونی.

بنابراین ماده ۲۵۸ نه کلاهبرداری است، نه اختلاس و نه خیانت در امانت؛ بلکه جرم خاص ناشی از سوءاستفاده مدیران شرکت‌های سهامی است. نتیجه‌گیری: ماده ۲۵۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت نمونه‌ای از جرم‌انگاری تخصصی در حقوق کیفری اقتصادی است.

قانونگذار در این ماده با شناخت ویژگی‌های خاص اداره شرکت‌های سهامی، رفتارهای معینی از مدیران را جرم دانسته و برای آن‌ها مجازات مستقل تعیین کرده است. عدم استفاده از عبارت «در حکم خیانت در امانت» یا «در حکم کلاهبرداری» و پیش‌بینی مجازات مستقل، نشان‌دهنده استقلال این جرم از جرایم عمومی علیه اموال است. پس تحلیل صحیح حقوقی آن است که ماده ۲۵۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت را باید یک جرم خاص اقتصادی با ارکان و عناصر قانونی مستقل دانست؛ جرمی که صرفاً به دلیل شباهت برخی آثار یا نتایج آن با جرایم عمومی علیه اموال، قابل انطباق با عنوان خیانت در امانت یا سایر عناوین کیفری نیست. از این روتا زمانی که تمامی ارکان جرم دیگری به‌طور مستقل محقق نشده باشد، رفتار مدیران شرکت‌های سهامی باید بر اساس عنوان خاص مقرر در ماده ۲۵۸ مورد تعقیب و مجازات قرار گیرد، نه با توسعه یا تفسیر موسع عناوین کیفری عمومی که با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها منافات دارد.

مسئولیت حقوقی آکادمی‌های فوتبال؛ حدود تعهدات در قبال بازیکنان، والدین و باشگاه‌ها

حقوقی اهمیت فراوانی دارد. انتقال بازیکنان، پرداخت حق آموزش، حفظ حقوق آکادمی و رعایت مقررات نقل و انتقالات، باید در چارچوب مقررات ملی و بین‌المللی انجام شود.

نکته کاربردی برای وکلا

در تنظیم قراردادهای آکادمی، وکیل باید علاوه بر مفاد مالی، موضوعاتی مانند مسئولیت ناشی از آسیب‌دیدگی، رضایت والدین، بیمه، محرمانگی اطلاعات و نحوه حل اختلاف را با دقت پیش‌بینی کند.

یادداشت تطبیقی

در بسیاری از کشورها، استانداردهای فعالیت آکادمی‌های فوتبال با نظارت مستقیم فدراسیون‌های ملی و کنفدراسیون‌های قاره‌ای اجرا می‌شود. این نظارت، علاوه بر ارتقای کیفیت آموزش، نقش مهمی در حمایت از حقوق بازیکنان نوجوان دارد.

مربیان واجد صلاحیت، نظارت بر سلامت جسمانی ورزشکاران و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه برای کاهش خطر آسیب‌دیدگی، از مهم‌ترین تکالیف این مراکز به شمار می‌رود. در صورت قصور، آکادمی ممکن است با مسئولیت مدنی یا قراردادی مواجه شود. از سوی دیگر، رابطه میان آکادمی و بازیکن، معمولاً بر پایه قرارداد آموزشی یا قرارداد استعدادیابی شکل می‌گیرد. این قراردادها باید به‌صورت شفاف، حقوق و تعهدات طرفین، مدت همکاری، شرایط خاتمه قرارداد، محرمانگی اطلاعات، نحوه استفاده از تصاویر و داده‌های بازیکن و حدود مسئولیت طرفین را مشخص کنند. حمایت از بازیکنان کم‌سن‌وسال نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. آکادمی‌ها موظفاند علاوه بر آموزش ورزشی، به رشد تحصیلی، سلامت روان، رعایت کرامت انسانی و حمایت از حقوق کودکان توجه کنند. هرگونه بهره‌برداری تجاری که با منافع عالی‌ه کودک در تعارض باشد، با اصول حقوق ورزش و حمایت از کودکان ناسازگار است. در روابط میان آکادمی و باشگاه‌های حرفه‌ای نیز شفافیت



شهرزادیمینی‌راد
وکیل پایه یک دادگستری
و رئیس کمیسیون بازرسی و نظارت
فدراسیون بین‌المللی حقوق ورزشی

آکادمی‌های فوتبال، نقطه آغاز مسیر حرفه‌ای بسیاری از بازیکنان هستند. با افزایش نقش این مراکز در استعدادیابی و آموزش، مسئولیت‌های حقوقی آنان نیز گسترده‌تر شده است. امروزه آکادمی فوتبال صرفاً یک مرکز آموزشی نیست، بلکه نهادی است که در قبال بازیکنان، خانواده‌ها، باشگاه‌ها و حتی نهادهای نظارتی، تعهدات مشخص حقوقی دارد. نخستین مسئولیت آکادمی، فراهم کردن محیطی ایمن و استاندارد برای آموزش است. رعایت اصول ایمنی، استفاده از